

فدرالیسم نوین: پاسخی صحیح به تنوع ملی و فرهنگی

ترجمه و تلفیص از ناصر ایرانیپور



<http://hdr.undp.org/2004/>

بروکسل، ۱۵ ژوئیه ۲۰۰۴ - طرح‌های نوآور فدرالیستی می‌توانند نزاع‌های بین ادیان، گروه‌های قومی و نژادی را کاهش دهند یا مرتفع سازند. این نتیجه‌گیری است که نویسندگان «گزارش رشد انسانی ۲۰۰۴، آزادی فرهنگی در جهان متنوع ما» به آن دست یافته‌اند.

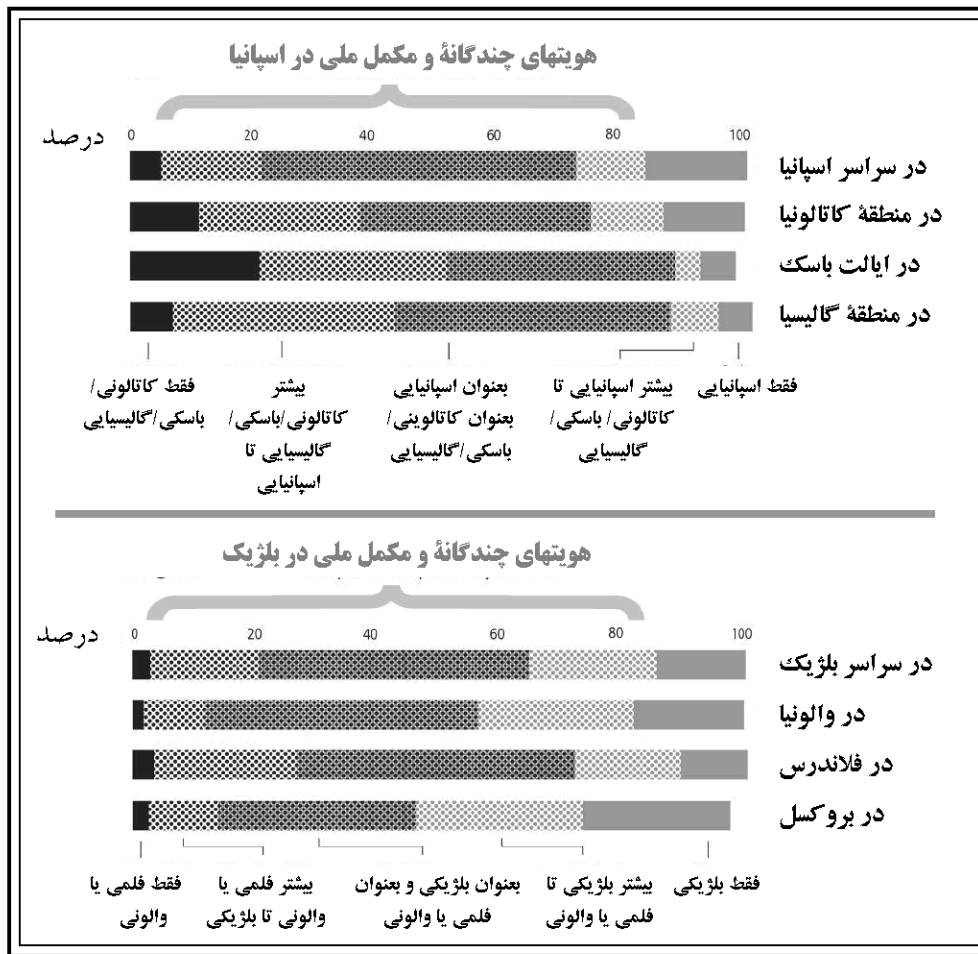
در این گزارش سازمان ملل استدلال می‌شود که نظام‌های «نامتقارن» فدرال به گروه‌های مختلف در کشورهای چند قومی یاری می‌رساند، در یک فضای باثبات و احترام متقابل با هم زیست کنند. مؤلفین گزارش مورد بحث همچنین دولت‌ها را از برخورد بسیار شدید سیاسی بر علیه جنبش‌های حتی افراطی برحذر می‌دارند که در برخی از کشورها به مخالفت با پذیرش فرهنگ‌های مختلف برمی‌خیزند.

Malloch Brown، متولی برنامه توسعه سازمان ملل متحد، بر آن است که «راه حل» در ایجاد نهادها و طرح‌های عملی‌ای نهفته است که هم اجازه حق تعیین سرنوشت را می‌دهند - که از طریق آن احساس تعلق و افتخار به گروه ملی خودی را بوجود می‌آورد - و هم امکان برای ایجاد یک نظم مشترک را، نظمی که موجد دلبستگی به نهادها و نمادهای مشترک باشد.»

جهان در برابر وظایف بغرنجی برای ایجاد ساختارهای دولتی در افغانستان و عراق قرار دارد. با توجه به این مساله گزارش مزبور پیشنهادات مشخصی در خصوص تشنج‌زدایی بین گروه‌های قومی و دینی و همچنین در مورد چگونگی ایجاد احساس تعلق مشترک گروه‌ها با وجود تنوع آنها به یک جامعه واحد ارائه نموده است. فدرالیسم فضای لازم را برای تنوع ایجاد می‌کند، به نحوی که یک نوع توازن و هم‌سنگی در قانون سیاسی تضمین شده بین تقسیم قوا و حق تعیین سرنوشت ایجاد می‌کند. در چنین ساختاری دست کم دو سطح حکومتی دارد: حکومت فدرال مرکزی و حکومت‌های منطقه‌ای. حکومت‌های منطقه‌ای از خودمختاری و صلاحیتهایی در زمینه‌های تعیین شده در قانون اساسی برخوردار می‌شوند. آنها همچنین می‌توانند در تبیین طرح‌ها و برنامه‌های سیاسی دولت مرکزی هم ایفای نقش کنند. در نظام فدراتیو نامتقارن که در گزارش برای اشکال معینی از کشورهای چند فرهنگی توصیه می‌گردد، برخی از استانها از صلاحیتهای متفاوتی برخوردارند.

- در کانادا صلاحیتهای نامتقارن فدرال امکانی برای جذب و ادغام استان کبک (Quebec) در سیستم فدرال را عرضه می‌کند، به نحوی که به استان نامبرده اختیارات و حقوق ویژه‌ای در ارتباط با حفظ و رشد فرهنگ و زبان فرانسوی آن اعطا شده است.
- فدراسیونهای چند ملیتی چون بلژیک و اسپانیا در قانون اساسی‌شان چیزی فراتر از یک هویت فرهنگی را برای مناطق خود به رسمیت شناخته‌اند.
- مالزی و آفریقای جنوبی صراحتاً تلاش نموده‌اند، به حذف گروه‌های مختلف ملی و نژادی از حوزه قدرت سیاسی خاتمه دهند و برای شهروندان خود هویت‌های چندگانه را ایجاد نمایند، هویت‌هایی که همدیگر را نه تنها دفع نمی‌نمایند، بلکه حتی تکمیل نیز می‌کنند.
- هر چند هندوستان برای خود تنها یک هویت ملی قائل است، اما پذیرفته است که مردمش بغایت گونه‌گون است. قانون اساسی این کشور چنین تنظیم شده که در آن مطالبات ویژه گروه‌ها به رسمیت شناخته شده و این، دولت این کشور را در موقعیتی قرار داده که با وجود تنوع زبانی و فرهنگی منطقه‌ای فراوانی که در آن وجود دارد، پابرجا بماند. چنین است که شهروندان این کشور با وجود جامعه بغایت متنوع و گروه‌بندی شده آن قاطعانه به کشور و دموکراسی علاقه دارند.
- در قانون اساسی افغانستان که اخیراً به تصویب رسید، در کنار دو زبان اصلی کشور، پشتو و دری، ۶ زبان دیگر نیز در مناطقی که سخنوران این زبانها زندگی می‌کنند، به عنوان زبانهای رسمی به رسمیت شناخته شدند. حمید کارزایی، رئیس جمهور افغانستان، در یک مقاله ویژه که برای این گزارش نوشته است، اظهار می‌دارند: «این امر که امروز هموطنان افغانی بلوچ، نورستانی، پامیری، پشایی، ترکمنی و ازبک حق این را دارند، زبان خود را بکار ببرند و این زبانها از لحاظ قانونی به رسمیت شناخته شده‌اند، ما را سرفراز می‌سازد. من اطمینان دارم که این گام، افغانستان را به یک ملت راسخ مبدل خواهد نمود.»

برای بوجود آوردن یک جامعه چند ملیتی دوام دار باید حکومتها بپذیرند که هویت‌های چندگانه متمم و مکمل همدیگر تهدیدی برای حاکمیت آنها نمی‌باشند. آنها باید همزمان از طریق شناسایی و برسمیت شناسی هویت ملیتها، از طریق ایجاد اعتماد در آنها و همچنین حمایت از آنها موجبات وفاداری به کشور در آنها را فراهم آورند.



جریان‌ات و طیف‌های سیاسی افراطی که از ویژگی اعتقاد به برتری فرهنگ خودی و رد فرهنگ‌های دیگر برخوردارند و - گاهاً - به شیوه زورمدارانه - بر اساس این اعتقاد عمل می‌کنند، می‌توانند ثبات سیاسی هر کشوری را به خطر بیندازند. گزارش مزبور قاطعانه توصیه می‌کند که جنبش‌های حتی افراطی ملی نیز در پروسه دموکراتیک و سیاسی جامعه دخیل داده شوند. در گزارش در این ارتباط استدلال می‌شود که بحث‌های دموکراتیک و ارزش‌های دموکراتیک بهترین ابزارها برای خنثی نمودن جریان‌ات افراطی حاکم و غیرحاکم در کشورهای برخوردار از ترکیب اتنیکی و دینی متنوع می‌باشد. Malloch Brown می‌گوید: «فقدان دموکراسی غالباً باعث بوجود آوردن کاروساز و شرایط رشد جریان‌ات افراطی می‌گردد، درحالی‌که دخیل دادن محتاطانه آنها می‌تواند سرچشمه‌های تشنج و نزاع را تعدیل دهد و دموکراسی را تقویت نماید.»



United Nations
Development
Programme

نویسندگان گزارش برآنند که برای دستیابی به همبستگی ملی لزوماً نباید یک هویت واحد را به آحاد جامعه تحمیل و تنوع را انکار یا نقطه ضعف توصیف نمود. استراتژی‌های موفق برای بوجود آوردن به اصطلاح «ملل دولتی» می‌توانند به شیوه سازنده‌ای بازتاب تنوع ملی و فرهنگی جامعه نیز گردند، به نحوی که آنها باید برنامه‌ها و راهبردهای سیاسی برای به رسمیت شناختن و انجام تغییرات در ساختار سیاسی، در راستای این تنوع را تدوین و اجرا کنند. تنها برنامه‌های سیاسی‌ای که بر مبنای برسمیت شناسی و دخیل دادن این تنوع در جامعه تدوین شده باشند، قادر هستند، احساس اتحاد و یگانگی را در جامعه تقویت کنند، چه بدون شرکت دادن و سهم کردن فعال همه اقوام و ملیتها در ساختار سیاسی و تعیین سرنوشت کل جامعه، بوجود آوردن «احساس ما» در شهروندان آحاد این گروه‌های ملی و قومی غیرممکن است و این منشأ بسیاری از بغرنجیها و بی‌اعتمادیها در جامعه می‌شود.

تاریخ ترجمه: ۲۰ آوریل ۲۰۰۵